

توسعه و فرهنگ

به نام خداوند بخشنده و مهربان

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه و استقلال کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که همه آن‌ها آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته‌اند که توانسته است، نیروی متخصص، ماهر، خلاق، عالم و متعهدی تربیت کند؛ نیرویی که عامل اصلی توسعه جوامع و کشورها باشد. لذا این جمله معروف که «دانایی، توانایی است» در سرلوحه برنامه‌ریزی‌های توسعه قرار دارد.

عده‌ای از صاحب‌نظران توسعه معتقدند که: توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است. بنابراین رشد تغییرات کمی در طول زمان شاخص مناسبی برای توسعه نیست و با وارد کردن فناوری و کپی‌برداری از جامعه‌های دیگر، توسعه به معنای واقعی صورت نمی‌گیرد. به همین سبب باید با ورود فناوری و فرهنگ مادی، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه در نظر گرفته شوند و فناوری جدید با فرهنگ میزبان هماهنگ شود. به نقل از رنه ماهو می‌گویند: «علم زمانی توسعه می‌یابد که به فرهنگ تبدیل شود.»

«فرهنگ» کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ شامل آیین‌نامه‌های زندگی، حقوق اساسی، نظام‌های ارزشی، و سنت‌ها و باورهاست. بُعد فرهنگی مرجع اصلی ارزیابی همه عوامل است. توسعه فقط

می‌تواند در جایی که از آن ریشه گرفته است، رشد کند. زیرا توسعه حاصل فرایندهای همه‌جانبه و مرتبط با ارزش‌های هر جامعه و فراخواندن مشارکت آحاد افراد و گروه‌هایی است که هم بنیان‌گذاران آن هستند و هم از آن منتفع می‌شوند. در هر صورت، اگر توسعه با توجه به خواست مردم و بر مبنای فرهنگ انسان‌ها باشد، موجبات ارتقا و رشد عامل نیروی انسانی را فراهم می‌آورد و این علاوه بر افزایش مهارت‌ها و توانایی نیروی انسانی است.

در صورت بی‌توجهی به فرهنگ و عوامل فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های توسعه، به‌طور قطع این بی‌توجهی خود در زمره عوامل بازدارنده و مانع توسعه مستمر و پویا قرار می‌گیرد. بنابراین اگر مروری بر تاریخ تحولات در سایر جوامع و جامعه خود داشته باشیم، باید به قول یکی از فلاسفه غربی، «برای ساختن تاریخ؛ بکشیم تاریخ را بفهمیم»، درمی‌یابیم که در فراز و فرودهای توسعه علم در ایران، در مواردی که ورود فناوری‌های جدید با فرهنگی بومی و دینی ما همراه و منطبق شده است، شاهد اوج‌گرفتن و جهش علمی بوده‌ایم و در جایی که این هماهنگی وجود نداشته، نتوانسته است به توسعه همه‌جانبه بینجامد. فهم تاریخ و واکاوای آن، به‌ویژه تاریخ تعلیم و تربیت که در این مقاله‌ها به آن پرداخته می‌شود، نشان می‌دهد که فرهنگ عامل مهم و زیربنایی در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشور است. امید است با بررسی و ارائه این مطالب شناخت بیشتری نسبت به پیشینه تاریخی برنامه‌های فرهنگی و توسعه کشور پیدا کنیم.

غلامرضا حمیدزاده*

•gdarulfunun@gmail.com